

تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حاکمیت شرکتی اثربخش بر مدیریت سود فرصت طلبانه ناشی از تغییر طبقه بندی اقلام صورت سود و زیان در بورس اوراق بهادار تهران

امیرعلی بندریان

حسابرس ارشد مالیاتی مودیان بزرگ، اداره کل امور مالیاتی استان خوزستان، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول).

bandari_amirali@yahoo.com

علیرضا عسجری

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد بین المللی اروند، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

ascharialireza04@outlook.com

چکیده

با توجه به اهمیت مدیریت سود؛ هدف این پژوهش بررسی نقش اثربخشی حاکمیت شرکتی و قدرتمندی کمیته حسابرسی در پیشگیری از اعمال تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته با رویکرد داده‌های تابلویی برای دوره‌ی زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ با استفاده از اطلاعات ۱۴۴ شرکت به روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد که مدیران از طریق تغییر طبقه بندی اقلام صورت‌های مالی اقدام به مدیریت سود می‌کنند همچنین نتایج بیانگر این موضوع بود که ساختار مالکیت و ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل اندازه و استقلال کمیته حسابرسی و تخصص مالی کمیته حسابرسی، استقلال هیات مدیره باعث کاهش مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان می‌شوند در واقع تعداد اعضای زیاد کمیته حسابرسی به ویژه دارای تخصص و استقلال و به دلیل وجود تخصص و تجربه‌های گوناگون موجب نظارت موثر بر فرایند گزارشگری مالی شده و باعث کاهش مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام صورت سود و زیان می‌شود. این نتیجه بدین معناست که نقش مدیران غیرموظف در کمیته حسابرسی و مالکان عمده در ایران مطابق با تئوری نمایندگی است و توانایی این ابزار نظارتی در کاهش مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام صورت‌های مالی قوی است. همچنین با توجه به اینکه سهامداران عمده نقش نظارتی فعالی بر تصمیمات شرکت در مدیریت سود اعمال می‌کنند؛ با افزایش درصد مالکیت عمده، انعطاف پذیری مدیران شرکت جهت مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی اقلام صورت‌های مالی کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر هر چه درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و متمرکز افزایش پیدا می‌کند، نظارت آنها در شرکت افزایش می‌یابد و به دنبال آن باعث کاهش مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان می‌شود.

کلمات کلیدی: اثربخشی حاکمیت شرکتی، ویژگی‌های کمیته حسابرسی، مدیریت سود تغییر طبقه بندی.

مقدمه

پس از رسوایی‌های به بار آمده در دهه‌های اخیر و کاهش اعتماد عمومی نسبت به گزارشات حسابداری و ارقام سود منتشرشده، کم‌کم توجه سرمایه‌گذاران و در پی آن محققان رشته حسابداری به سایر اجزای صورت سود و زیان جلب شد و با اطمینان می‌توان گفت که امروزه تمام اجزاء و طبقات صورت سود و زیان به‌ویژه سود و زیان عملیاتی از محتوای

اطلاعاتی بسیار بالایی برخوردارند (چویی و همکاران^۱، ۲۰۲۴). اهمیتی که سود حسابداری برای استفاده کنندگان از صورت‌های مالی دارد، باعث شده است که مدیریت واحد تجاری توجه خاصی به مبلغ و نحوه تهیه و ارائه آن قائل شود. بنابراین همواره این نگرانی و مشکل وجود دارد که سود به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های عملکرد مالی شرکت‌ها، توسط مدیران که در تضاد منافع بالقوه با سهامداران عادی قرار دارند، با اهداف خاصی مدیریت شده باشد (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۷). پژوهش‌های گذشته حسابداری، تا به حال دو روش اصلی مدیریت سود را مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند متعاقب روش‌های مدیریت سود مذکور، روش بالقوه سومی هم وجود دارد که بوسیله طبقه بندی گمراه کننده اقلام صورت سود و زیان انجام می‌شود. این روش در مطالعات گودفری و جونز^۲ (۱۹۹۹)، دای^۳ (۲۰۰۲)، لین و همکاران^۴ (۲۰۱۱) و مک وی^۵ (۲۰۰۶)، فان و همکاران^۶ (۲۰۱۰)، مورد توجه قرار گرفته است. در این روش بدون آن که سود خالص شرکت تغییر کند تنها با استفاده از جابه‌جایی هزینه‌های عملیاتی به اقلام غیر عملیاتی و خاص، سود عملیاتی (سود اصلی) شرکت مورد دستکاری قرار می‌گیرد. این تکنیک با احتمال پایین کشف یا مقاومت از سوی حسابرسان (محدودیت ذاتی)، قابل انجام بوده و می‌تواند مدیریت را به اهداف گزارشگری خود نائل سازد زیرا در این روش تغییری در کل سود خالص دوره مالی جاری شرکت و همچنین سودهای سنوات بعد رخ نمی‌دهد (سلمان، ۱۴۰۲). شاید بتوان گفت که این روش یکی از ظریف‌ترین ترفندهای مدیریت سود می باشد که تاکنون در پژوهش‌های اندکی به آن پرداخته شده است. این تغییر طبقه‌بندی موجب کاهش هزینه عملیاتی و افزایش سود عملیاتی می‌شود. انگیزه اصلی مدیران جهت تغییر در طبقه‌بندی می‌تواند دستیابی به سود عملیاتی هدف، سود عملیاتی دوره قبل و یا پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران باشد (هاو و همکاران^۷، ۲۰۱۱). همچنین مدیران ممکن است پیش از عرضه مجدد سهام نسبت به تغییر طبقه‌بندی اقلام نمایند. مدیران ترجیح می‌دهند که سود عملیاتی را از موارد خاص مستثنا کنند تا از این طریق پایداری عملیاتی نسبت به سود غیرعملیاتی و موارد خاص بیشتر شود علاوه بر این، سودهای عملیاتی هستند که قیمت سهام شرکت را تعیین می‌کنند و شرکت‌هایی که به درآمد هدف یا مورد انتظار می‌رسند می‌توانند به بازده سهام بیشتری دست یابند شرکت‌ها برای تغییر در طبقه‌بندی سود می‌توانند انگیزه‌های زیادی داشته باشند (ناگار و همکاران^۸، ۲۰۱۶). از سوی دیگر شناسایی سازوکارهایی که بتواند در کاهش مدیریت سود اثربخش باشد بسیار حائز اهمیت است. با این حال، وجود تضاد منافع بین ذینفعان در شرکت‌ها مشکلات متعددی همچون تئوری نمایندگی و مشکلات ذینفعان را به همراه داشته و بحث‌های متعددی را موجب شده است که موضوع حاکمیت شرکتی از اصلی‌ترین آن‌هاست که به منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیران می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین باتوجه به مطالب بیان شده و اهمیت مدیریت سود برای سهامداران این پژوهش به بررسی اثربخشی حاکمیت شرکتی و قدرتمندی کمیته حسابرسی در پیشگیری از اعمال تغییر طبقه‌بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد.

مبانی نظری پژوهش

- 1 Choi, et al
- 2 Godfrey, et al
- 3 Dye
- 4 Lin, et al
- 5 Mcvay
- 6 Fun et al
- 7 Haw, et al
- 8 Nagar, & Kaustav

در دنیای امروز با توجه به گسترش بازارهای سرمایه و افزایش میزان سرمایه گذاری، یکی از مسائل مهم مطرح، سود حسابداری گزارش شده توسط شرکت ها می باشد. هر چه قدر کیفیت سود مذکور بالاتر و میزان دستکاری در آن کمتر باشد، تصمیمات صحیح گرفته شده و نهایتاً باعث تخصیص مناسب منابع مالی و افزایش رفاه خواهد شد. اهمیتی که سود حسابداری برای استفاده کنندگان از صورت‌های مالی دارد، باعث شده است که مدیریت واحد تجاری توجه خاصی به مبلغ و نحوه تهیه و ارائه آن قائل شود. بنابراین همواره این نگرانی و مشکل وجود دارد که سود به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های عملکرد مالی شرکت‌ها، توسط مدیران که در تضاد منافع بالقوه با سهامداران عادی قرار دارند، با اهداف خاصی مدیریت شده باشد (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۷). در ادبیات حسابداری شواهدی مبنی بر موضوع مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی (هلی و وال،^۱؛ مک‌نیکولز و ویلسون،^۲؛ و جونز،^۳؛ ۱۹۹۹) و مدیریت واقعی سود (به‌عنوان مثال، راجوداری،^۴؛ ۲۰۰۶ و ژانگ،^۵؛ ۲۰۱۲)، وجود دارد و یکی از مهمترین صورت‌های مالی شرکت‌ها، صورت سود و زیان می‌باشد که سود حسابداری نیز از این صورت مالی استخراج می‌گردد لذا برای مدیران و استفاده‌کنندگان بسیار حائز اهمیت می‌باشد. یکی از روش‌های مدیریت سود، مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام صورت سود و زیان است می‌باشد. در این روش بدون آنکه سود خالص شرکت تغییر کند، تنها با استفاده از تغییر طبقه بندی اقلام تشکیل دهنده صورت سود و زیان یعنی اقلامی مانند هزینه‌های عملیاتی به هزینه‌های غیرعملیاتی، سود عملیاتی یا سود اصلی شرکت؛ مورد دستکاری قرار می‌گیرد. مطابق مبانی نظری گذشته؛ معمولاً مدیران ممکن است که از راه‌های مختلفی اقدام به دستکاری سود و مدیریت سود نمایند تا با این کار به اهداف خود دست یابند و منافع بیشتری را عاید خود کنند. بر این اساس، این روش‌ها متنوع و مختلف هستند و بستگی به استراتژی مدیریت دارد که در روش‌هایی براساس هزینه‌ها، محدودیت‌ها و زمان از هر یک از این استراتژی‌ها استفاده کنند. پژوهش‌های مختلف حاکی از آن است که وقتی که یک شکل از مدیریت سود محدود می‌شود و یا پر هزینه است، مدیران از شکل‌های جایگزین مدیریت سود برای رسیدن اهداف گزارشگری استفاده می‌کنند (کوهن و همکاران،^۶؛ ۲۰۱۶؛ چن و هاوارد،^۷؛ ۲۰۱۶؛ ژانگ،^۸؛ ۲۰۱۲ و بانسال و بشیر،^۹؛ ۲۰۲۲). با این حال، در ادبیات حسابداری و مالی همه اشکال مدیریت سود با هم انجام نمی‌شود. بطور کلی مدیران از سه ابزار برای مدیریت کردن سود استفاده می‌کنند (عبدالهی، ۱۴۰۱). اولین ابزار دستکاری اقلام تعهدی اختیاری است که مدیران از طریق اقلام تعهدی اختیاری به آرایش ارقام حسابداری مطابق با اهداف مطلوب خود می‌پردازد، اما از آنجا که اقلام تعهدی اختیاری در دوره‌های بعد معکوس می‌گردد باعث می‌شود که سودهای سنوات آتی تحت تاثیر قرار گیرد به همین خاطر، استفاده از این نوع مدیریت سود محدود می‌باشد (کیم و شون،^۹؛ ۲۰۰۸). ابزار دوم، مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی صورت می‌گیرد. مدیران با اتخاذ برخی تصمیمات عملیاتی به سود مطلوب خویش دست می‌یابند این روش نیز هزینه‌های پنهان هنگفتی دارد، چرا که با حذف هزینه‌های تحقیق و توسعه و وجود بازارهای به شدت رقابتی سودآوری سنوات آتی تهدید خواهد شد (کوهن و زاروین، ۲۰۱۶).

یکی از مهمترین علل مدیریت سود (شیوه‌های مختلف) تضاد منافع موجود بین مدیران و مالکان شرکت‌ها است تضاد منافع بین مدیران و مالکان از آنجا نشات می‌گیرد که مدیران مالک شرکت نیستند و سهمی از آنچه که انجام می‌دهند را

¹ Healy, & Wahlen

² McNichols, et al.

³ Jones

⁴ Roychowdhury

⁵ Zhang

⁶ Cohen, and Zarowin

⁷ Chen, & Howard

⁸ Bansal, & Bashir

⁹ Kim & Sohn

در اختیار ندارند (جنسن و مکلینگ^۱، ۱۹۷۶). کمبود نظارت بر عملکرد مدیران در شرکت‌ها موجب تشدید هزینه‌های نمایندگی می‌شود؛ بنابراین، از زمان معرفی مسئله نمایندگی تاکنون، ابزارهای نظارتی متفاوتی جهت کاهش فرصت مدیران برای انجام مدیریت سود مطرح گردیده است. استا (۱۳۹۰)، بیان می‌کند نقش ساختار مالکیت بر مدیریت سود نباید نادیده گرفته شود. وی در پژوهش خود نشان داد که ساختار مالکیت بر مدیریت سود شرکت تأثیر معناداری دارد. وی بیان می‌کند که تمایل مدیران به اعمال مدیریت سود و سوء استفاده از آن و در نتیجه ارائه اطلاعات نادرست به سهامداران آسیب جدی به اعتماد سهامداران وارد خواهد ساخت و هزاران نفر از سهامداران را متضرر نموده، از بازار بورس فراری خواهد داد. این امر در نهایت تبعات اقتصادی وخیمی به دنبال خواهد داشت. بنابراین، به دلیل اهمیت حفظ اعتماد سهامداران و به دنبال آن حفظ سلامت اقتصادی کشور و فضای حاکم بر آن، حاکمیت شرکتی به دنبال دستیابی به شیوه‌هایی است که بر اساس آن تامین کنندگان مالی، اطمینان حاصل نمایند که از سرمایه‌گذاری خود در شرکت، بازده مناسبی را دریافت خواهند نمود. لذا حاکمیت شرکتی به دنبال ارتقای عدالت، شفافیت و پاسخگویی در شرکت است. حاکمیت شرکتی با مکانیزم‌های برون سازمانی (که بیشتر شامل قوانین و مقررات هستند) و همچنین مکانیزم‌های درون سازمانی که بیشتر اختیاری هستند، می‌توانند به اعمال مدیریت خوب، کاهش مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش اعتماد سهامداران و در نهایت کاهش مدیریت سود منجر شوند. در اقتصادهای در حال توسعه نظیر ایران، مالکیت دولتی، مدیریتی، متمرکز و مالکیت نهادی از جمله رایجترین نوع مالکیت هستند. مالکیت نهادی، در واقع نوعی از مالکیت عمده یا متمرکز است. تمرکز مالکیت به عنوان بخشی از ساختار مالکیت شرکت، مشوق‌ها و انگیزه‌هایی برای سهامداران نهادی جهت نظارت بر عملکرد مدیران فراهم می‌کند. به بیانی دیگر، سهامداران بزرگ به واسطه میزان سهام و قدرتی که دارند در نظارت بر عملکرد مدیران نسبت به مالکان اقلیت توانایی و انگیزه بیشتری دارند (آل موسایی و همکاران^۲، ۲۰۱۹). از طرفی مالکیت نهادی می‌تواند با تغییر میزان توجه مالکان به عملکرد مدیر و توجه به صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری‌های مربوط به عزل و نصب و دادن پاداش به مدیر، انگیزه دستکاری سود و تغییر طبقه‌بندی را برای مدیر به وجود آورند، علاوه بر این با توجه به تأثیر گذاری این مالکان بر سازوکارهای نظارتی، امکان دستکاری سود توسط مدیریت را تحت تأثیر قرار دهند (برزنونی، ۱۴۰۲).

چو و لنگ^۳ (۲۰۰۶)، معتقدند افزایش مالکیت نهادی نیاز سرمایه‌گذاران به نظارت به وسیله مکانیسم‌هایی نظیر کمیته حسابرسی را کاهش می‌دهد. در نتیجه انتظار می‌رود که با افزایش مالکیت نهادی، انگیزه مدیریت سود به انواع روش‌های مختلف از جمله تغییر طبقه‌بندی سود کاهش یابد (سجادی و همکاران، ۱۴۰۱). طبق نظر گیلان و استارکس^۴ (۲۰۰۳)، سهامداران نهادی نقش اصلی را در شکل‌گیری بسیاری از تغییرات در سیستم‌های حاکمیت شرکتی دارند. این گروه از سهامداران با توجه به مالکیت بخش درخور توجهی از سهام شرکت‌ها، از نفوذ قابل ملاحظه‌ای در این شرکت‌های برخوردار بوده، می‌توانند رویه‌های آنها (شامل رویه‌های حسابداری و گزارشگری مالی) را تحت تأثیر قرار دهند. بر طبق نظر بوشی^۵ (۲۰۰۴)، سرمایه‌گذاران نهادی متفاوت از سرمایه‌گذاری فردی می‌باشند زیرا آنها در هدایت (نظارت) عملکرد مدیران شرکت، بیشتر فعال می‌باشند و همچنین آنها به خاطر توانایی‌شان در دسترسی به منابع اطلاعاتی مختلف، آگاه‌تر از دیگران می‌باشند. چانگ و همکاران^۶ (۲۰۲۱)، بیان می‌کنند، سرمایه‌گذاران نهادی که به طور حرفه‌ای مبادرت به خرید سهام می‌کنند، به دلیل آنکه دسترسی بیشتری به اطلاعات به موقع و مرتبط دارند، در مقایسه با

1 Jensen, & Meckling

2 Al-Musali, et al.

3 Chau, & Leung

4 Gillan, and Starks.

5 Bushee

6 Chung, et al

سهامداران حقیقی، توانایی و قابلیت بیشتری برای کشف مدیریت سود دارند. کامپا و همکاران^۱ (۲۰۱۵)، دریافتند که سهامداران نهادی با هدف دستیابی به سطح مطلوب سود، مانع از افزایش برنامه ریزی شده و مستمر سود می شوند. این پژوهش ها به این نتیجه رسیده اند که ساختار مالکیت نهادی شرکتها، تأثیر معناداری بر روشهای مدیریت سود دارند. همچنین شواهد تجربی وجود دارد که نشان می دهد هیئت مدیره می تواند میزان تقلب مدیریتی را کاهش دهد بنابراین می توان انتظار داشت هر چه میزان اندازه و استقلال هیئت مدیره بیشتر باشد، اعمال نظارت بیشتر می شود و سلامت گزارشگری در سطح بالاتری خواهد بود و در نتیجه ارزیابی سود به عنوان یک مکانیزم نظارتی، مستلزم صرف منابع کمتری می باشد (برزنونی، ۱۴۰۲).

تارمیدی و ایتی^۲ (۲۰۱۸)، معتقدند یکی از راههای مقابله با رفتارهای فرصت طلبانه مدیران، وجود یک کمیته قدرتمند حسابرسی می باشد. کمیته حسابرسی با ارتقاء سطح حاکمیت شرکتی باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی و نهایتاً بهبود عملکرد واحد تجاری می شود. کمیته حسابرسی به عنوان یکی از کمیته های فرعی از هیئت مدیره و جزئی ضروری از ساختار اثر بخش کنترل داخلی شرکت به حساب آمده و همچنین وظیفه با اهمیتی از طرف سهامداران جهت نظارت بر فرایند گزارشگری مالی و حسابرسی داخلی و همچنین حسابرسی مستقل دارد. در ادبیات مالی، کمیته حسابرسی به عنوان جزئی از ساختار حاکمیت شرکتی، ابزاری برای کاهش هزینه های نمایندگی و همچنین وسیله ای نظارتی اثر بخشی برای بهبود روابط نمایندگی تلقی می شود (سجادی و همکاران، ۱۴۰۱). احمد و همکاران^۳ (۲۰۲۴)، معتقدند وجود کمیته حسابرسی علاوه بر ارتقاء سطح کیفی مکانیزم حاکمیت شرکتی می تواند باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی شود. کوهن و زاروین (۲۰۱۶)، نشان دادند که وجود کمیته حسابرسی باعث کاهش مدیریت سود در مقایسه با قبل از وجود کمیته حسابرسی در شرکت های آمریکایی شده است. حضور مدیران غیرموظف و مستقل در کمیته های حسابرسی و در هیئت مدیره شرکتها که تخصص، استقلال و قدرت قانونی لازم را برای نظارت بر عملکرد شرکت دارند، می تواند یک ساز و کار بالقوه توانمند حاکمیت شرکتی به حساب که می تواند منجر به کاهش دستکاری سود شود. از طرفی استقلال در کمیته حسابرسی به عنوان یکی دیگر از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، می تواند موجب کاهش هزینه های نمایندگی شود و این کاهش موجب کاهش رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت سود از جمله مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی ارقام سود و زیان گردد (بانسال و بشیر، ۲۰۲۲). هگزای و همکاران^۴ (۲۰۱۵)، بیان می کند که در حیطه گزارشگری نیز این کمیته وظایف نظارت بر موضوع های با اهمیت گزارشگری مالی، قضاوت های و برآوردهای عمده، رویه های حسابداری عمده و نحوه افشا در گزارشگری های مالی شرکت را بر عهده دارد. حضور یک کمیته حسابرسی با کیفیت، می تواند نظارت بر صورت های مالی را افزایش داده و منجر به بهبود گزارشگری مالی از طریق بهبود کنترل های داخلی شود همچنین یک کمیته حسابرسی با کیفیت از طریق نظارت مناسب تر بر تهیه صورت های مالی، منجر به کیفیت مناسب اطلاعات و مدیریت سود کمتر می گردد (الیفسن و همکاران^۵، ۲۰۲۰).

یکی از وجه تمایزهای پژوهش حاضر با سایر پژوهش های صورت گرفته این است که تا کنون پژوهشی تجربی در خصوص بررسی نقش مکانیزم های حاکمیت شرکتی از جمله قدرتمندی کمیته حسابرسی بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی ارقام صورت سود و زیان در بورس اوراق بهادار تهران صورت نگرفته است و اغلب پژوهش های صورت گرفته نیز در خصوص مدیریت سود تعهدی و واقعی بوده است. به طور نمونه ایمنی و مشعشعی (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی تأثیر محدودیت های حاکم بر استراتژی های مدیریت سود بر به کارگیری استراتژی تغییر طبقه بندی سود در بازار سرمایه

¹ Campa, et al

² Tarmidi, &. Etty

³ Ahmed, et al

⁴ Hegazy & Brian

⁵ Eilifsen, et al.

ایران پرداختند. سجادی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر رابطه بین ساختار مالکیت و تغییر طبقه‌بندی سود پرداختند. قائمی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهش خود به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل اندازه کمیته حسابرسی و تخصص کمیته حسابرسی با کنترل‌های داخلی و مدیریت سود تعهدی پرداختند. حاجیانی (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی رابطه مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان و دقت پیش‌بینی سود پرداختند. حمیدیان و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی به بررسی نقش تخصص حسابرس در صنعت در پیشگیری از اعمال تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان پرداختند. ثقفی و جمالیان پور (۱۳۹۷)، در پژوهشی به بررسی جایگاه پدیده تغییر طبقه بندی در مدیریت سود پرداختند. فخاری و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهش خود به بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی پرداختند. این در حالی است که در این پژوهش‌ها نقش مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و کمیته حسابرسی نادیده گرفته شده است.

از آنجایی که مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان از جمله روش‌هایی از مدیریت سود است که با توجه به ظرافت خاصی که داشته و از آنجایی که به دلیل عدم تغییر در سود خالص کمتر توسط حسابرسان و سرمایه‌گذاران مورد بررسی قرار می‌گیرد پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت گرفته است. علاوه بر این استفاده از این روش مدیریت سود، صورت جریانات وجه نقد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و قاعدتاً موجب مخدوش شدن این صورت و کاهش شفافیت صورت‌های مالی از این طریق می‌گردد. همچنین با بررسی ادبیات پژوهشی مشخص گردید در پژوهش‌های داخلی به این نوع از مدیریت سود کمتر پرداخته شده است لذا ارتباط بین اثربخشی حاکمیت شرکتی و کمیته حسابرسی با مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی اقلام سود و زیان مشخص نبوده و برای سهامداران این سوال اساسی بدون پاسخ مانده است که نقش مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و کمیته حسابرسی بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی چگونه است؟ آیا وجود یک کمیته حسابرسی قدرتمند باعث کاهش مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی اقلام سود و زیان می‌شود یا آن را کاهش می‌دهد؟

مهمترین دلایل و ضرورت‌های انجام پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

از آنجایی که بهای تمام شده کالای فروش رفته در مقابل طبقه‌بندی نادرست هزینه‌های فروش، عمومی و اداری، اثرات مختلفی بر اقلام خطی صورت سود و زیان، مانند سود ناخالص و سود عملیاتی می‌گذارد، بنابراین ضروری بود که به طور جداگانه، طبقه‌بندی نادرست هر حساب هزینه عملیاتی را مورد بررسی قرار گیرد لذا پژوهش حاضر با شناخت و بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان، مبانی کاربردی برای مدیریت، دولت و بازیگران بازار سرمایه شامل سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل و ... در جهت بررسی و توجه بیشتر نسبت به عوامل موثر بر سود حسابداری مندرج در سود و زیان با دیگر متغیرها را فراهم خواهد نمود.

وقتی که یک شکل از استراتژی‌های مدیریت جهت اعمال مدیریت سود محدود می‌شود و یا پر هزینه است، مدیران از شکل‌های جایگزین مدیریت سود مانند تغییر طبقه‌بندی اقلام سود و زیان برای رسیدن اهداف گزارشگری استفاده می‌کنند لذا ضروری به نظر می‌رسد تا استراتژی‌های مختلف مدیریت در خصوص اعمال مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد و نتایج آن مورد استفاده افراد مختلف به ویژه استفاده‌کنندگان برون سازمانی و سهامداران و ... قرار گیرد.

علی‌رغم پژوهش‌های مختلفی که در خصوص مدیریت سود تعهدی و واقعی صورت گرفته است اما در خصوص مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است و یک خلا پژوهشی در این زمینه وجود داشته است لذا تأثیر متغیرهای مختلف بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی اقلام سود و زیان در محیط اقتصادی ایران به دلیل عدم انجام پژوهش تجربی مشخص نیست؛ از این رو در پژوهش حاضر ضروری بود تا این شکاف پژوهشی پر شود.

ضرورت پژوهش‌هایی که بتواند به بررسی عوامل موثر بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی ارقام سود و زیان پرداخته و مباحث نظری و تجربی مربوط به آن را مورد بحث و پژوهش قرار دهد به خوبی احساس می‌شود.

پیشینه پژوهش

احمد و همکاران (۲۰۲۴)، در پژوهشی به بررسی تاثیر مالکیت نهادی و کمیته حسابرسی بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی پرداختند. بدین منظور از اطلاعات ۱۱۸۹۲ شرکت استرالیایی طی بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که وجود مالکان نهادی و کمیته حسابرسی اثربخش باعث کاهش مدیریت سود ناشی از تغییر در طبقه‌بندی ارقام صورت سود و زیان می‌شود و یک رابطه منفی و معنادار بین آنها مشاهده شد. مدیولی و همکاران^۱ (۲۰۲۲)، در پژوهشی به بررسی دستکاری در حاشیه سود ناخالص از طریق تغییر در طبقه‌بندی پرداختند. آنها بدین منظور تغییر طبقه‌بندی بهای تمام‌شده کالای فروش رفته به هزینه‌های عملیاتی را مدنظر قرار دادند. یافته‌های آنها نشان داد که مدیران به منظور دستیابی به حاشیه سود موردنظر، بخشی از بهای تمام‌شده کالای فروش رفته را به طبقه هزینه‌های عملیاتی انتقال می‌دهند. در واقع آنها بخشی از بهای تمام‌شده کالای فروش رفته را به هزینه‌های اداری، تحقیق و توسعه و سایر هزینه‌های عملیاتی منتقل می‌کنند. کالدونسکی و همکاران^۲ (۲۰۱۹)، در پژوهشی به بررسی تاثیر فشار بازار سرمایه و پایداری مالکیت نهادی بر مدیریت درآمد واقعی در بازار بورس لهستان پرداختند. این پژوهش که با استفاده از اطلاعات ۱۲۰۴ شرکت پذیرفته شده طی بازه زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶ انجام شد نشان داد که پایداری مالکیت نهادی باعث کاهش مدیریت سود واقعی می‌شود و هرچه مالکیت نهادی شرکت پایدارتر و باثبات‌تر باشد دستکاری در فروش و جریان نقد عملیاتی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی کمتری خواهد داشت. همچنین در شرکت‌هایی که تحت فشار بازار سرمایه هستند با افزایش مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی؛ باعث کاهش مدیریت سود واقعی می‌شوند. تسما و همکاران^۳ (۲۰۱۸)، در پژوهشی به بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر مدیریت سود در بورس اوراق بهادار کره جنوبی با استفاده از اطلاعات ۳۴۰ شرکت طی بازه زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶ پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که در شرکت‌های دارای مکانیزم قوی حاکمیت شرکتی مدیریت سود به طور قابل توجهی پایین است. همچنین نتایج نشان داد که مکانیزم‌های نظارتی منجر به افزایش شفافیت در گزارشگری مالی شده و بدین سبب کاهش مدیریت سود حسابداری را در پی دارد. هگزای و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی به بررسی تاثیر هزینه حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت بر مدیریت سود و کیفیت حسابرسی در بورس امریکا پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که هزینه حسابرسی باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی و کاهش مدیریت سود می‌شود. همچنین هرچه حسابرس در صنعت تخصص بیشتری داشته باشد باعث کاهش مدیریت سود و افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود.

ابراهیمی نژاد (۱۴۰۴)، در پژوهشی به بررسی تاثیر نوع دیدگاه مالکیت نهادی بر تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه ارقام صورت سود و زیان در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت بدین منظور از اطلاعات ۱۴۴ شرکت طی بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ استفاده کرد. نتایج پژوهش نشان داد که مدیران از طریق تغییر طبقه بندی ارقام صورت‌های مالی اقدام به مدیریت سود می‌کنند همچنین نتایج بیانگر این موضوع بود که مالکیت نهادی فعال و منفعل باعث کاهش مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه ارقام صورت سود و زیان می‌شوند به عبارتی با توجه به اینکه سهامداران نهادی نقش نظارتی فعالی بر تصمیمات شرکت در مدیریت سود اعمال می‌کنند؛ با افزایش درصد مالکیت نهادی سهام انعطاف پذیری شرکت جهت مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی ارقام صورت‌های مالی کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر هر

¹ Medioli, et al

² Kałdoński et al

³ Tessema et a

چه درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی افزایش پیدا می کند، نظارت آنها در شرکت افزایش می یابد و به دنبال آن باعث کاهش مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه ارقام صورت سود و زیان می شود. برزونی (۱۴۰۲)، در پژوهشی به بررسی تاثیر حسابرسان بزرگ و استقلال هیئت مدیره بر کاهش تغییر طبقه بندی سود پرداختند. بدین منظور داده های مالی ۱۶۵ شرکت مربوط به سال های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ و به صورت سالیانه استخراج و تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که متغیر کیفیت حسابرسی با ارقام تعهدی اختیاری ارتباطی منفی دارد به عبارتی کیفیت حسابرسی با مدیریت سود ارتباط منفی دارد. همچنین درصد سهام هیئت مدیره دارای ارتباط مثبت با ارقام تعهدی اختیاری دارد به عبارتی می توان بیان داشت که استقلال هیئت مدیره با مدیریت سود ارتباط منفی دارد. سجادی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی تاثیر ویژگی های هیئت مدیره بر رابطه بین ساختار مالکیت و تغییر طبقه بندی سود پرداختند. در این پژوهش نقش اندازه و استقلال هیئت مدیره بر تاثیر ساختار مالکیت و تغییر طبقه بندی سود مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور از اطلاعات ۱۰۵ شرکت طی بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد بین سهامداران نهادی و تغییر در طبقه بندی سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد و اندازه هیئت مدیره موجب تقویت این رابطه می شود. در حالی که استقلال هیئت مدیره بر این رابطه مؤثر نیست. همچنین بین مالکان دولتی و تغییر طبقه بندی سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد در حالی که استقلال هیئت مدیره موجب تضعیف این رابطه است، اندازه هیئت مدیره بر رابطه مذکور تأثیری ندارد. ایمنی و مشعشی (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی تأثیر محدودیت های حاکم بر استراتژی های مدیریت سود بر به کارگیری استراتژی تغییر طبقه بندی سود در بازار سرمایه ایران پرداختند. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ است و ۱۱۴ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شده است. به منظور آزمون فرضیه های پژوهش از مدل رگرسیون لججیت استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که سلامت مالی، سهامداران نهادی، اندازه موسسه حسابرسی و سهم بازار بر تغییر در طبقه بندی سود تأثیر منفی و معناداری دارد. همچنین چرخه عملیاتی بر تغییر در طبقه بندی سود تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ و دوره تصدی آن تأثیر معناداری بر تغییر طبقه بندی سود ندارد. آزمون های اضافی نشان داد شرکت های بزرگ تر انگیزه بیشتری برای انجام تغییر طبقه بندی (شکلی از مدیریت سود) در مقایسه با شرکت های کوچک دارند، زیرا هزینه های سیاسی بیشتری دارند. قائمی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی های کمیته حسابرسی شامل اندازه کمیته حسابرسی و تخصص کمیته حسابرسی با کنترل های داخلی و مدیریت سود پرداختند. نمونه آماری شامل ۵۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان دهنده آن بود که بین هر دو ویژگی کمیته حسابرسی (اندازه کمیته حسابرسی و تخصص کمیته حسابرسی) با ضعف در کنترل های داخلی و مدیریت سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد اما بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه های پژوهش

بر اساس مبانی نظری و ادبیات پژوهش، فرضیه های زیر تنظیم شده و آزمون می شوند:

فرضیه اول: مالکیت نهادی بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه ارقام صورت سود و زیان تاثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: تمرکز مالکیت بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه ارقام صورت سود و زیان تاثیر معناداری دارد.

فرضیه سوم: مالکیت مدیریتی بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه ارقام صورت سود و زیان تاثیر معناداری دارد.

فرضیه چهارم: استقلال هیات مدیره بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان تاثیر معناداری دارد.

فرضیه پنجم: استقلال کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان تاثیر معناداری دارد.

فرضیه ششم: اندازه کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان تاثیر معناداری دارد.

فرضیه هفتم: تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان تاثیر معناداری دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر نوع هدف؛ کاربردی و از نظر شیوهی انجام و ماهیت، از نوع پژوهش‌های توصیفی و از نظر فلسفه جزء پژوهش‌های اثباتی حسابداری است. از نظر فرآیند اجرا از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر منطق اجرا نیز جزء پژوهش‌های با رویکرد قیاسی - استقرایی بوده و از نظر بعد زمانی نیز از نوع پژوهش‌های گذشته‌نگر بوده و از اطلاعات تاریخی شرکت‌های نمونه استفاده می‌شود. برای برآورد مدل رگرسیون و آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش اقتصادسنجی داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود. اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها نیز از بانک اطلاعاتی رهاورد نوین و وبگاه الکترونیکی سازمان بورس اوراق بهادار استخراج شده و فرضیه‌های پژوهش نیز بر اساس داده‌های ترکیبی و به کمک نرم افزار EViews 11 آزمون می‌شوند. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر نیز، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۶ تا پایان سال ۱۴۰۲ به مدت ۷ سال بوده است که در طی این دوره عضویت خود را در بورس اوراق بهادار حفظ کرده‌اند. افزون بر این، جامعه‌ی آماری با استفاده از شرایط زیر تعدیل شده است:

(۱) شرکت باید قبل از سال ۱۳۹۶ در بورس پذیرفته شده و از ابتدای سال ۱۳۹۶ سهام آن در بورس معامله شده باشد؛ (۲) پایان سال مالی شرکت پایان اسفند ماه بوده و در طول دوره‌ی تحقیق نیز، تغییر سال مالی نداشته باشد؛ (۳) اطلاعات مالی شرکت در دسترس بوده باشد؛ (۴) از مجموعه شرکت‌های سرمایه گذاری، هلدینگ و واسطه‌ای مانند بانک و بیمه نباشد. پس از اعمال این محدودیت‌ها، ۱۴۴ شرکت، همه‌ی شرایط حضور در جامعه‌ی آماری را داشته‌اند. لذا ۱۴۴ شرکت (۱۰۰۸ سال - شرکت) به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند.

اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

تغییر طبقه بندی اقلام صورت سود و زیان (CE)

در این تحقیق برای تشخیص مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی از مدل مکوی (۲۰۰۶)، بهره گرفته شد. که بصورت زیر محاسبه شد (احمد و همکاران، ۲۰۲۴؛ ثقفی و همکاران، ۱۳۹۷؛ سجادی و همکاران، ۱۴۰۱):
رابطه (۱)

$$CE_{it} = \alpha + \beta_1 CE_{it-1} + \beta_2 ATO_{it} + \beta_3 WCA_{it-1} + \beta_4 WCA_{it} + \beta_5 \Delta SALE_{it} + \beta_6 NEG - \Delta SALE_{it} + \varepsilon_{it}$$

باقی مانده مدل فوق به عنوان مبلغ تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان در مدل اصلی رگرسیون قرار می‌گیرد. به عبارتی ابتدا مدل فوق تخمین زده می‌شود و سپس مقادیر باقیمانده (ε_{it}) به عنوان مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی در مدل رگرسیون قرار می‌گیرد.

CE_{it} : سود اصلی که عبارت است از خالص درآمد (فروش) منهای بهای تمام شده کالای فروش رفته و منهای هزینه‌های عمومی، فروش و اداری، CE_{it-1} : سود عملیاتی واقع شده در سال قبل، ATO : نرخ گردش دارایی‌های عملیاتی است که از فرمول فروش / میانگین تفاضل حاصل از دارایی عملیاتی و بدهی عملیاتی سال جاری و سال قبل بدست می‌آید، WCA : سرمایه در گردش (برابر است با تغییر در دارایی‌های جاری و جریان وجوه نقد منهای تغییر در بدهی‌های جاری و حصه جاری بدهی‌های بلندمدت) تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت، $\Delta SALE_{it}$ درصد تغییر فروش سال جاری نسبت به سال قبل است و $NEG - \Delta SALE$ همان درصد تغییر در فروش است با این تفاوت که اگر این درصد تغییر بزرگتر از صفر باشد برابر صفر و در غیر اینصورت برابر با درصد تغییر در فروش است

متغیر مستقل:

مالکیت نهادی ($INStown$)

مجموع درصد سهام شرکت متعلق به بانک‌ها، موسسات بیمه، سازمان تامین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی، نهادهای دولتی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ‌ها می‌باشد (میرزایی، ۱۳۹۹).

تمرکز مالکیت (HHI)

درصد مالکیت مجموعه سهامدارانی است که به عنوان یک گروه اقتصادی، بیشترین درصد سهام کنترلی شرکت را در اختیار دارند. کم بودن این درصد به نوعی پراکندگی مالکیت را نشان می‌دهد. طبق قوانین ایران، تمرکز مالکیت به صورت مجموع درصد سهام سهامداران حقوقی که بیش از ۵٪ سهام منتشره شرکت را داشته باشند تعریف می‌گردد. در این تحقیق به منظور محاسبه نسبت تمرکز مالکیت از شاخص هرفیندال-هیرشمن (HHI) استفاده شده است. شاخص مزبور از مجموع مجذور درصد سهام متعلق به سهامداران شرکتها به دست می‌آید (ابراهیمی نژاد، ۱۴۰۲).

رابطه (۲)

$$Herfindahl - Hirschman Index(HHI) = \sum_{i=1}^n (Share_{it})^2$$

n : تعداد سهام شرکت و $Share$: درصد سهام تحت تملک سهامدار i در شرکت t است. هر اندازه که این شاخص بیشتر باشد، بیانگر تمرکز بیشتر و حضور تعداد اندکی سهامدار عمده در ساختار مالکیت شرکت است و برعکس. دلیل انتخاب ۵ درصد نیز این است که برخی از شرکت‌های مورد بررسی، میزان مالکیت کمتر از ۵ درصد را در گزارش‌های مالی خود افشا نکرده‌اند. بنابراین، با توجه به کم اهمیت بودن درصدهای کمتر از ۵ درصد و در راستای همگن شدن نحوه اندازه‌گیری در خصوص همه شرکت‌ها، درصد مالکیت بزرگ‌تر و مساوی ۵ درصد در محاسبه فرمول‌ها لحاظ شدند.

مالکیت مدیریتی ($Manown$): در این پژوهش اندازه‌گیری مالکیت مدیریتی مطابق پژوهش ملک آرا (۱۴۰۲)، بصورت درصد سهام نگهداری شده توسط اعضای هیأت مدیره محاسبه شده است.

استقلال هیئت مدیره ($indep$): استقلال هیئت مدیره از تقسیم تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره بدست می‌آید. اعضای غیرموظف سمت اجرایی در شرکت ندارند (احمد و همکاران، ۲۰۲۴).

اندازه کمیته حسابرسی ($ACSIZE$): اندازه کمیته حسابرسی برابر با تعداد اعضای حاضر در کمیته حسابرسی است (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰).

استقلال کمیته حسابرسی ($ACIND$): برابر است با درصد اعضای مستقل در کمیته حسابرسی، عضو مستقل بر اساس بند یک ماده ۱ منشور کمیته حسابرسی، عضوی فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیرمستقیم که بر تصمیم‌گیری

مستقل وی اثرگذار باشد، موجب جانبداری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران یا سایر ذینفعان شود یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران گردد. تعریف شده است (روحی مقدم و فلاح، ۱۳۹۷).
تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (ACEXP): مطابق بند ۶ ماده ۱ منشور کمیته حسابرسی، تخصص مالی اعضا مدرک دانشگاهی، مدرک حرفه‌ای داخلی و یا مدرک معتبر بین المللی در امور مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد و سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت‌ها و گزارش‌های مالی و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، تعریف می‌شود. در این پژوهش نیز تخصص مالی کمیته حسابرسی برابر با درصد اعضای دارای تخصص مالی در کمیته حسابرسی در نظر گرفته خواهد شد (زمان و همکاران، ۲۰۱۱).

متغیرهای کنترلی

نسبت دارایی ثابت (FIXA): به پیروی از پژوهش احمد و همکاران (۲۰۲۴)، از تقسیم دارایی ثابت (مشهود) بعد از کسر استهلاک انباشته بر مجموع دارایی‌های شرکت به دست می‌آید.
زیان شرکت (LOSS): زیان دهی شرکت یک متغیر مجازی و به صورت دو وجهی (با کدهای صفر و یک) که از صورت سود و زیان قابل استخراج است. اگر شرکت زیان ده باشد عدد یک و اگر شرکت سودده باشد عدد صفر اختصاص می‌یابد (بندریان و همکاران، ۱۴۰۱).

اندازه‌ی شرکت (SIZE): احمد و همکاران (۲۰۲۴)، معتقد است هر چه اندازه شرکت بزرگ‌تر باشد، مدیران این شرکت‌ها انگیزه بیشتری برای مدیریت سود خواهند داشت. این متغیر از طریق لگاریتم جمع کل دارایی‌های شرکت محاسبه شده است.

نسبت جریان نقد عملیاتی (CF): هر چه جریان نقد عملیاتی ایجاد شده در شرکت بیشتر باشد، احتمال دستکاری سود از طریق تغییر طبقه‌بندی بیشتر است. این متغیر از طریق نسبت جریان نقد عملیاتی (مستخرج از صورت گردش وجه نقد) به جمع کل دارایی‌های شرکت بدست می‌آید (بندریان و همکاران، ۱۴۰۳).

اهرم مالی (LEVE): از نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها برای محاسبه اهرم مالی استفاده شده است (باراکا و همکاران، ۲۰۲۳):
رشد شرکت (ASTGR): به پیروی از پژوهش احمد و همکاران (۲۰۲۴)، رشد شرکت از تفاوت فروش سال جاری و سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل اندازه‌گیری شده است.

نسبت ارزش بازار به دفتری (MTB): به پیروی از پژوهش احمد و همکاران (۲۰۲۴)، برای کنترل اثر مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت بر تغییر طبقه بندی ارقام سود و زیان شرکت از نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام استفاده شده است.

مدل‌های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش به پیروی از پژوهش احمد و همکاران (۲۰۲۴)، از مدل رگرسیونی چندمتغیره زیر استفاده شده است:

$$UE_{it} = \alpha + \beta_1 Instown_{it} + \beta_2 HHI_{it} + \beta_3 Manown_{it} + \beta_4 indep_{it} + \beta_5 ACSIZE_{it} + \beta_6 ACIND_{it} \\ + \beta_7 ACEXP_{it} + \beta_8 FIXA_{it} + \beta_9 Size_{it} + \beta_{10} CF_{it} + \beta_{11} LEVE_{it} + \beta_{12} Loss_{it} \\ + \beta_{13} MTB_{it} + \beta_{14} ASTGR_{it} + \varepsilon_{it}$$

(UE): تغییر طبقه بندی اقلام سود و زیان که از معادل باقیمانده رابطه (۱) در جدول تعریف متغیرهای عملیاتی اندازه-گیری شده است، Instown: مالکیت نهادی، HHI: تمرکز مالکیت، Manown: مالکیت مدیریتی، indep: استقلال هیئت مدیره، ACSIZE: اندازه کمیته حسابرسی، ACIND: استقلال کمیته حسابرسی، ACEXP: تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، FIXA: نسبت دارایی ثابت، Size: اندازه شرکت، Loss: زیان شرکت، CF: جریان نقد عملیاتی، LEVE: اهرم مالی، ASTGR: رشد شرکت، MTB: نسبت ارزش بازار به دفتری و E جز اخلاص مدل می‌باشند.

یافته‌های پژوهش

آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش بعد از نرمال سازی و انجام آزمون جارک برا که حاکی از نرمال بودن متغیرهای پژوهش بود به شرح جدول ۱ می باشد:

جدول (۱): آماره های توصیفی پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی
مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی	۰.۱۹	۰.۱۳	۰.۵۳	۰.۰۲	۰.۱۰	۰.۸۳
مالکیت نهادی	۰.۳۴	۰.۲۳	۰.۹۵	۰.۱۰	۰.۲۲	۰.۱۹
مالکیت مدیریتی	۰.۲۰	۰.۱۶	۰.۲۵	۰.۰۵	۰.۰۴	۰.۰۱
تمرکز مالکیت	۰.۳۳	۰.۳۵	۰.۴۴	۰.۰۶	۰.۰۹	۰.۱۴
استقلال هیات مدیره	۰.۴۵	۰.۴۰	۰.۶۰	۰.۲۰	۰.۱۳	۰.۱۰
اندازه کمیته حسابرسی	۴.۶۶	۵	۷	۳	۰.۱۵	۰.۳۰
تخصص مالی کمیته حسابرسی	۰.۳۵	۰.۲۰	۰.۶۰	۰.۲۰	۰.۲۰	۰.۱۴
استقلال کمیته حسابرسی	۰.۴۵	۰.۴۰	۰.۶۰	۰.۲۰	۰.۱۳	۰.۳۵
نسبت دارایی ثابت	۰.۶۱	۰.۵۳	۰.۶۹	۰.۲۷	۰.۱۵	۰.۲۰
اندازه شرکت	۶.۵۸	۶.۴۸	۹.۲۶	۴.۲۵	۰.۹۸	۰.۳۳
جریان نقد عملیاتی	۰.۲۰	۰.۱۵	۰.۵۶	۰.۰۲	۰.۱۲	۰.۸۳
رشد شرکت	۰.۲۰	۰.۱۲	۰.۷۵	-۰.۲۵	۰.۲۰	۰.۱۳
نسبت بازار به دفتری	۳.۱۵	۲.۷۲	۷.۷۶	۱.۲۷	۰.۳۲	۰.۲۰
اهرم مالی	۰.۶۰	۰.۶۴	۰.۷۹	۰.۲۳	۰.۱۶	۰.۱۷
مشاهدات	۱۰۰۸	۱۰۰۸	۱۰۰۸	۱۰۰۸	۱۰۰۸	۱۰۰۸

ادامه جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای کیفی (کد + و ۱)

متغیرهای کیفی	فراوانی کد ۱	فراوانی کد ۰	درصد فراوانی کد ۱	درصد فراوانی کد ۰
کاهش فروش	۱۲۷	۸۸۱	۰.۱۲	۰.۷۸
زیان شرکت	۱۵۹	۸۴۹	۰.۱۶	۰.۸۴

میانگین متغیر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام سود و زیان ۰.۱۹ بوده است که حاکی از وجود مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام سود و زیان در بین شرکت‌های نمونه می‌باشد. میانگین مالکیت نهادی شرکت‌های نمونه ۰.۳۴ بوده است که نشان می‌دهد به طور میانگین ۰.۳۴ از سهام شرکت‌ها در دست مالکان عمده و نهادی مانند بیمه و بانک و سایر نهادهای عمومی می‌باشد و میانگین مالکیت مدیریتی نیز ۰.۲۰ و بیشترین و کمترین مالکیت مدیریتی به ترتیب ۰.۲۵ و ۰.۰۵ بوده است. همچنین میانگین تمرکز مالکیت ۰.۳۳ و میانگین اندازه کمیته حسابرسی ۴.۶۶ نفر و حداکثر ۷ نفر بوده و میانگین تخصص مالی اعضای کمیته مذکور نیز ۰.۳۵ و میانگین استقلال اعضای کمیته حسابرسی

۰.۴۵ می‌باشد. میانگین خالص دارایی ثابت به کل دارایی برابر ۰.۶۱ بوده که نشان می‌دهد ۰.۶۱ درصد کل دارایی‌ها را دارایی ثابت و ۰.۳۹ دیگر نیز دارایی جاری می‌باشند. همچنین میانگین نسبت ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام ۳.۱۵ بوده که حاکی از بالا بودن ارزش روز قیمت سهام شرکت‌های نمونه نسبت به ارزش اسمی آنها است و با توجه به تورم و ایجاد فاصله بین قیمت اسمی و قیمت بازار در بازار بورس ایران این موضوع منطقی است. همچنین میانگین اهرم مالی ۰.۶۰ بوده که نشان می‌دهد به طور متوسط ۰.۶۰ دارایی‌های شرکت‌ها می‌تواند بدهی‌ها را تسویه و ۰.۴۰ باقی مانده به عنوان حقوق صاحبان سهام باقی خواهد ماند.

متغیرهایی که به دو مقدار صفر و یک محدود می‌شوند امار توصیفی آنها به صورت میانگین و میانه و ... کارایی نداشته و مفهومی را بیان نمی‌کند. این متغیرها باید از نظر تعداد فراوانی و درصد فراوانی بررسی شوند. لذا فراوانی شرکت‌هایی که در سال جاری دارای کاهش فروش نسبت به سال قبل بوده‌اند از مجموع ۱۰۰۸ مشاهده، ۱۲۷ مشاهده آن با درصد فراوانی ۰.۱۲ بوده که نشان می‌دهد حدوداً ۰.۱۲ از شرکت‌های نمونه نسبت به سال قبل کاهش فروش داشته‌اند که با عدد یک نشان داده شده است و سایر شرکتها با فراوانی ۸۸۱ و درصد فراوانی ۰.۷۸ فروش آنها نسبت به سال قبل افزایش داشته است. فراوانی شرکت‌هایی که در طی سال دارای زیان بوده اند شامل ۱۵۹ مشاهده می‌باشد که به آن‌ها کد ۱ اختصاص داده شد و درصد فراوانی آن‌ها نیز حدوداً ۰.۱۶ می‌باشد به عبارتی به طور متوسط ۰.۱۶ از شرکت‌ها دارای زیان خالص (طی ۷ سال) بوده‌اند. در سایر شرکت‌ها نیز که سود خالص گزارش کرده اند دارای فراوانی ۸۴۹ مشاهده و درصد فراوانی آن‌ها نیز ۰.۸۴ می‌باشد

آزمون پایایی پژوهش

وجود متغیرهای ناپایا در مدل سبب می‌شود تا آزمون‌های تی استیودنت و فیشر از اعتبار لازم برخوردار نباشند و کمیت‌های بحرانی ارائه شده توسط توزیع‌های مذکور، مقادیر صحیحی برای انجام آزمون‌های آماری نباشند. با توجه به جدول ۲، نتایج آزمون پایایی متغیرها نشان می‌دهد که سطح خطای تمامی متغیرها کمتر از ۵٪ درصد بوده و متغیرهای پژوهش پایا می‌باشند؛ در نتیجه، استفاده از متغیرها در برآورد مدل‌های پژوهش، منجر به رگرسیون کاذب نمی‌شود.

جدول (۲): آزمون پایایی برای متغیرها

متغیرها		لوین، لین و چو		ایم پسران و شین		فیشر، فلیپس پرو	
آماره	p.v	آماره	p.v	آماره	p.v	آماره	p.v
مدیریت سود تغییر طبقه بندی	-۲۶.۰۳	۰.۰۰۰	-۸.۰۶	۰.۰۰۰	۷۰۲.۱	۰.۰۰۰	
مالکیت نهادی	-۳۶.۳	۰.۰۰	-۹.۶۵	۰.۰۰۰	۶۶۱.۱	۰.۰۰۰	
تمرکز مالکیت	-۲۵.۹	۰.۰۰۰	-۴.۵۵	۰.۰۰۰	۵۴۲	۰.۰۰	
مالکیت مدیریتی	-۵۵.۵	۰.۰۰	-۴.۸۱	۰.۰۰	۴۳۴	۰.۰۰	
اندازه کمیته حسابرسی	-۱.۹۷	۰.۰۰	-۱۲.۵۴	۰.۰۰۰	۱۳۳.۵	۰.۰۰۰	
تخصص مالی کمیته حسابرسی	-۷.۹۵	۰.۰۰	-۸.۷	۰.۰۰	۱۱۷.۸	۰.۰۰۰	
استقلال هیات مدیره	-۶.۱۷	۰.۰۰	-۱۳.۵۲	۰.۰۰	۱۷۳.۲	۰.۰۰	
استقلال کمیته حسابرسی	-۶.۱	۰.۰۰	-۱۹.۵	۰.۰۰	۱۳۱.۱	۰.۰۰	
نسبت دارایی ثابت	-۷.۹۳	۰.۰۰	-۱۷.۵	۰.۰۰	۲۲۸.۳	۰.۰۰	
اندازه شرکت	-۴۵.۹	۰.۰۰۰	-۵.۹۹	۰.۰۰۰	۴۴۶.۱	۰.۰۰۰	
جریان نقد عملیاتی	-۱۹.۴	۰.۰۰۰	-۳.۶۷	۰.۰۰۰	۵۱۵.۵	۰.۰۰۰	
رشد شرکت	-۱۷.۴	۰.۰۰۰	-۲۰.۸	۰.۰۰۰	۵۵۳.۱	۰.۰۰۰	
نسبت بازار به دفتری	-۴۵.۰۱	۰.۰۰	-۶.۸	۰.۰۰	۵۳۴.۵	۰.۰۰۰	

۰.۰۰	۶۲۱.۷	۰.۰۰	-۸.۴۱	۰.۰۰	-۳۹.۰۱	اهرم مالی
------	-------	------	-------	------	--------	-----------

تخمین مدل به وسیله داده‌های ترکیبی

برای بررسی نوع آزمون مدل در مقاطع و دوره‌های زمانی مختلف داده‌های ترکیبی، از آزمون چاو استفاده شده است. نتایج آزمون چاو فرض صفر این آزمون مبنی بر مشابه بودن عرض از مبدا در تمام دوره‌ها را، برای مدل‌های پژوهش رد کرده است (سطح خطا کمتر از ۵٪). لذا، روش تخمین داده‌های تابلویی برای برآورد مدل‌های آزمون فرضیه‌های پژوهش، گزینه‌ی مناسب‌تری است. نتایج این آزمون در جدول ۳ بیان شده است:

جدول (۳): نتایج آزمون F لیمر (همسانی عرض از مبدا های مقاطع)

نوع روش	نتیجه آزمون	سطح خطا	آماره چاو	آزمون چاو
داده‌های تابلویی	H0 رد می شود	۰.۰۰	۱.۹۰	H0: یکسانی عرض از مبدا های مقاطع

در روش داده‌های تابلویی نیز روش اثرات ثابت در مقابل روش اثرات تصادفی آزمون می‌شود. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده شده است. با توجه به اینکه آماره‌ی محاسباتی آزمون هاسمن برای مدل پژوهش در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار نشده است (بیشتر از ۵٪)، بنابراین، فرض صفر آن مبنی بر عدم وجود رابطه بین اثرات فردی و متغیرهای توضیحی پذیرفته می‌شود؛ از این رو، برای برآورد مدل پژوهش از روش اثرات تصادفی استفاده خواهد شد. نتایج آزمون هاسمن در جدول (۴) ارایه شده است:

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن

نوع روش	نتیجه آزمون	سطح خطا	خی ۲	آزمون هاسمن
اثرات تصادفی	H0 رد نمی شود	۰.۳۲	۸.۱۰	H0: عدم وجود ارتباط بین متغیر مستقل و خطای تخمین

آزمون ناهمسانی واریانس

یکی از پیش فرض‌های رگرسیون عدم وجود ناهمسانی واریانس باقیمانده مدل می‌باشد با توجه به تأثیر مهم ناهمسانی واریانس بر برآورد، انحراف معیار و استنباط آماری، لازم است تا قبل از پرداختن به هرگونه تخمین وجود و یا عدم وجود ناهمسانی واریانس تحقق یابد. برای همسانی واریانس باقیمانده مدل از آزمون‌های بروس-پاگان گادفری، آزمون آرچ، آزمون گلجسر و آزمون وایت استفاده شد که نتایج آزمون‌ها نشان دهنده عدم همسانی واریانس بوده و به عبارتی باقی مانده‌های حاصل از تخمین مدل پژوهش، دارای واریانس ثابت نبوده است. لذا برای تخمین مدل‌های پژوهش از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) به جای حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده می‌شود.

تخمین مدل رگرسیونی اول

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها برای آزمون فرضیه‌های پژوهش در جدول (۵) نشان داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در مدل تحقیق معنی داری آماره فیشر (۱۱۹.۵۷) در سطح ۵٪ حاکی از معنی داری کلی مدل برآورد شده است بنابراین، مدل تحقیق در کل معنی دار بوده و متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح متغیر وابسته را دارند. علاوه بر این ضریب تعیین تعدیل شده (R2) ۰.۵۸۶ است. این عدد نشان می‌دهد که تقریباً ۰.۵۹ از تغییرات متغیر وابسته را می‌توان به متغیرهای مستقل و کنترلی نسبت داد و ۰.۴۱ دیگر ناشی از سایر عوامل بوده که از دسترس محقق خارج می‌باشد. هر چه مقدار این شاخص بزرگتر باشد پراکندگی نقاط حول خط رگرسیون بیشتر خواهد بود. مقدار آماره دوربین واتسون (۱.۹۴) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی مرتبه اول در اجزای مدل برآورد

شده است، لذا نتایج مدل برآورد شده کاذب نیست و تخمین مدل قابل اتکا است (نرمال آن باید بین ۱.۵ تا ۲.۵ باشد). مقدار شاخص عامل تورم واریانس VIF نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل مدل اول با هم مشکل همخطی شدید ندارند. زمانی که مقدار آماره VIF کمتر از ۵ باشد، شواهدی از وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای مستقل مدل وجود ندارد.

جدول (۵): نتایج آزمون مدل پژوهش در سطح داده های تابلویی

منبع: یافته های محقق

$CE_{it} = \alpha + \beta_1 Instown_{it} + \beta_2 HHI_{it} + \beta_3 Manown_{it} + \beta_4 indep_{it} + \beta_5 ACSIZE_{it} + \beta_6 ACIND_{it} + \beta_7 ACEXP_{it} + \beta_8 FIXA_{it} + \beta_9 Size_{it} + \beta_{10} CF_{it} + \beta_{11} LEVE_{it} + \beta_{12} Loss_{it} + \beta_{13} MTB_{it} + \beta_{14} ASTGR_{it} + \varepsilon_{it}$					
VIF	سطح خطا	آماره t	ضرایب	نماد	شرح
	۰.۰۰۰	۳.۶۱	۰.۱۵	α	عرض از مبدأ
۱.۰۱	۰.۰۰	-۳.۲۲	-۰.۰۴	<i>Instown</i>	مالکیت نهادی
۱.۰۲	۰.۰۸	۱.۷۱	۰.۰۳	<i>Manown</i>	مالکیت مدیریتی
۱.۰۲	۰.۰۱	-۲.۵۶	-۰.۰۲	<i>HHI</i>	تمرکز مالکیت
۱.۰۶	۰.۰۲	-۲.۲۰	-۰.۰۷	<i>indep</i>	استقلال هیات مدیره
۱.۰۳	۰.۰۱	-۲.۳۹	-۰.۰۳	<i>ACSIZE</i>	اندازه کمیته حسابرسی
۱.۰۲	۰.۰۲	-۲.۲۹	-۰.۰۵	<i>ACEXP</i>	تخصص مالی کمیته حسابرسی
۱.۰۲	۰.۰۰	-۲.۸۷	-۰.۰۶	<i>ACIND</i>	استقلال کمیته حسابرسی
۱.۶۳	۰.۱۲	۱.۵۵	۰.۰۲	<i>FIXA</i>	نسبت دارایی ثابت
۱.۰۸	۰.۰۳	۲.۱۲	۰.۰۴	<i>Size</i>	اندازه شرکت
۱.۶۵	۰.۲۶	۱.۱۱	۰.۰۴	<i>CF</i>	جریان نقد عملیاتی
۱.۰۹	۰.۰۱	۲.۴۶	۰.۰۱	<i>ASTGR</i>	رشد شرکت
۱.۰۲	۰.۰۰۰	-۳.۵۴	-۰.۰۲	<i>MTB</i>	نسبت بازار به دفتری
۱.۰۳	۰.۰۰۰	۲.۹۸	۰.۰۷	<i>LEVE</i>	اهرم مالی
		۰.۵۸۶		ضریب تعیین تعدیل شده R2	
	(۰.۰۰۰)		۱۱۹.۵۷	F رگرسیون (سطح خطا)	
		۱.۹۴		دوربین واتسون	

فرضیه اول: مالکیت نهادی بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان تاثیر معناداری دارد.

با توجه به نتایج جدول (۵) در مدل اول آماره‌ی تی-استیودنت مربوط به متغیر مستقل مالکیت نهادی و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب -۳.۲۲ و ۰.۰۰۰ بوده و ضریب آن نیز -۰.۰۴ می‌باشد. به عبارتی با ۰.۰۱ افزایش در مالکیت نهادی میزان مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان ۰.۰۴ کاهش می‌یابد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر مالکیت نهادی تاثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان شرکت داشته و

فرضیه‌ی اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر مالکیت نهادی شرکت‌ها منفی می‌باشد. در نتیجه، رابطه منفی و معنی داری بین مالکیت نهادی و مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان وجود دارد. این نتیجه مطابق تئوری نمایندگی و حاکمیت شرکتی مبنی بر نظارت فعال مالکان نهادی بر مدیران بوده که باعث کاهش رفتارفرصت طلبانه و کاهش مدیریت سود می‌شود.

فرضیه دوم: تمرکز مالکیت بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان تاثیر معناداری دارد.

با توجه به نتایج جدول (۵) در مدل اول آماره‌ی تی -استیودنت مربوط به متغیر مستقل تمرکز مالکیت و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب ۲.۵۶- و ۰.۰۱ بوده و ضریب آن نیز ۰.۰۲- می‌باشد. به عبارتی با ۰.۰۱ افزایش در تمرکز مالکیت میزان مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان ۰.۰۲ کاهش می‌یابد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر تمرکز مالکیت تاثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان شرکت داشته و فرضیه‌ی دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر تمرکز مالکیت شرکت‌ها منفی می‌باشد. در نتیجه، رابطه منفی و معنی داری بین تمرکز مالکیت و مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان وجود دارد. این نتیجه مطابق تئوری نمایندگی و حاکمیت شرکتی مبنی بر نظارت فعال تمرکز مالکیت بر مدیران بوده که باعث کاهش رفتارفرصت طلبانه و کاهش مدیریت سود می‌شود.

فرضیه سوم: مالکیت مدیریتی بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان تاثیر معناداری دارد.

با توجه به نتایج جدول (۵) در مدل اول آماره‌ی تی -استیودنت مربوط به متغیر مستقل مالکیت مدیریتی و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب ۱.۷۱ و ۰.۰۸ بوده و ضریب آن نیز ۰.۰۳ می‌باشد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر مالکیت مدیریتی تاثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان شرکت نداشته و فرضیه‌ی سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار نمی‌گیرد.

فرضیه چهارم: استقلال هیات مدیره بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان تاثیر معناداری دارد.

با توجه به نتایج جدول (۵) در مدل اول آماره‌ی تی -استیودنت مربوط به متغیر مستقل استقلال هیات مدیره و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب ۲.۲۰- و ۰.۰۲ بوده و ضریب آن نیز ۰.۰۷- می‌باشد. به عبارتی با ۰.۰۱ افزایش در استقلال هیات مدیره میزان مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان ۰.۰۷ کاهش می‌یابد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر استقلال هیات مدیره تاثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان شرکت داشته و فرضیه‌ی چهارم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر استقلال هیات مدیره منفی می‌باشد. در نتیجه، رابطه منفی و معنی داری بین استقلال هیات مدیره و مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان وجود دارد.

فرضیه پنجم: استقلال کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان تاثیر معناداری دارد.

با توجه به نتایج جدول (۵) در مدل اول آماره‌ی تی -استیودنت مربوط به متغیر مستقل استقلال کمیته حسابرسی و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب ۲.۸۷- و ۰.۰۰ بوده و ضریب آن نیز ۰.۰۶- می‌باشد. به عبارتی با ۰.۰۱ افزایش در استقلال کمیته حسابرسی میزان مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان ۰.۰۶ کاهش می‌یابد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر استقلال کمیته حسابرسی تاثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام هزینه عملیاتی شرکت داشته و فرضیه‌ی پنجم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر استقلال کمیته حسابرسی شرکت -ها منفی می‌باشد. در نتیجه، رابطه منفی و معنی داری بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان وجود دارد.

فرضیه ششم: اندازه کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان تاثیر معناداری دارد.

با توجه به نتایج جدول (۵) در مدل اول آماره‌ی تی -استیودنت مربوط به متغیر مستقل اندازه کمیته حسابرسی و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب ۲.۳۹- و ۰.۰۱ بوده و ضریب آن نیز ۰.۰۳- می‌باشد. به عبارتی با ۰.۰۱ افزایش در اندازه کمیته حسابرسی میزان مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان ۰.۰۳ کاهش می‌یابد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر اندازه کمیته حسابرسی تاثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان شرکت داشته و فرضیه‌ی ششم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر اندازه کمیته حسابرسی شرکت ها منفی می‌باشد. در نتیجه، رابطه منفی و معنی داری بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان وجود دارد.

فرضیه هفتم: تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان تاثیر معناداری دارد.

با توجه به نتایج جدول (۵) در مدل اول آماره‌ی تی -استیودنت مربوط به متغیر مستقل تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب ۲.۲۹- و ۰.۰۲ بوده و ضریب آن نیز ۰.۰۵- می‌باشد. به عبارتی با ۰.۰۱ افزایش در تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی میزان مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان ۰.۰۵ کاهش می‌یابد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی تاثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان شرکت داشته و فرضیه‌ی هفتم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی شرکت ها منفی می‌باشد. در نتیجه، رابطه منفی و معنی داری بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان وجود دارد.

نتایج متغیرهای کنترلی نیز نشان داد که رابطه مثبت معنی داری بین اندازه شرکت با مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی وجود دارد این نتیجه بیانگر این مطلب است که شرکت‌های بزرگتر بیشتر به مدیریت سود می‌پردازند. همچنین رابطه مثبت معنی داری بین اهرم مالی با مدیریت سود وجود دارد زیرا مدیران شرکت ها انگیزه بیشتری دارند تا از طریق مدیریت سود اعتباردهندگان را راضی نگه دارند. به عبارت دیگر شرکت ها به منظور کاهش ریسک اقدام به مدیریت سود می‌نمایند، شرکت‌هایی که از نسبت بدهی به کل دارایی‌های بالایی برخوردار می‌باشند به منظور اطمینان بخشی به اعتباردهندگان مبنی بر توانایی پرداخت اصل و بهره وام‌ها و اعتبارات دریافتی اقدام به مدیریت سود می‌نمایند. همچنین

بین رشد شرکت و زیان شرکت با مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی رابطه مثبت و بین نسبت ارزش بازار به دفتری و مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی رابطه منفی و معناداری مشاهده شد. تایید متغیرهای کنترلی یاد شده نشان از تاثیر این متغیرها بر متغیر وابسته بوده و به درستی تشخیص و در مدل تخمین زده شده اند.

نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر تاثیر ویژگی های کمیته حسابرسی و حاکمیت شرکتی اثربخش بر مدیریت سود فرصت طلبانه ناشی از تغییر طبقه بندی اقلام صورت سود و زیان در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ با استفاده از اطلاعات ۱۴۴ شرکت می باشد. نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیونی نشان داد که مدیران از طریق تغییر طبقه بندی اقلام صورت های مالی اقدام به مدیریت سود می کنند همچنین نتایج بیانگر این موضوع بود که مالکیت نهادی و متمرکز باعث کاهش مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان می شود. علاوه بر این ویژگی های کمیته حسابرسی شامل اندازه و استقلال کمیته حسابرسی و مدیران متخصص عضو کمیته حسابرسی و استقلال هیات مدیره باعث کاهش مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان می شود. شوندر واقع تعداد اعضای بالای کمیته حسابرسی به ویژه دارای تخصص و استقلال و به دلیل وجود تخصص و تجربه های گوناگون موجب نظارت موثر بر فرایند گزارشگری مالی شده و باعث کاهش مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام صورت سود و زیان می شود. این نتیجه بدین معناست که نقش مدیران غیرموظف در کمیته حسابرسی و مالکان عمده در ایران مطابق با تئوری نمایندگی است و توانایی این ابزار نظارتی در کاهش مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام صورت های مالی قوی است. همچنین با توجه به اینکه سهامداران نهادی و متمرکز نقش نظارتی فعالی بر تصمیمات شرکت در مدیریت سود اعمال می کنند؛ با افزایش درصد مالکیت عمده، انعطاف پذیری شرکت جهت مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی اقلام صورت های مالی کاهش می یابد. به عبارت دیگر افزایش درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و متمرکز باعث کاهش مدیریت سود می شود و می توان چنین تفسیر کرد که هر چه درصد اثربخشی حاکمیتی شرکتی افزایش پیدا می کند، نظارت آنها در شرکت افزایش می یابد و به دنبال آن باعث کاهش مدیریت سود می شود. علاوه بر این وجود کمیته حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم های قوی حاکمیت شرکتی با توجه به بعد نظارتی که دارد باعث می شود تا مدیران در شرکت کمتر اقدام به رفتارهای فرصت طلبانه از جمله مدیریت سود نموده و با کاهش هزینه های نمایندگی و نظارت مستمر بر هیات مدیره، در نتیجه به افزایش عملکرد منجر می شود. نتایج این فرضیه با یافته های احمد و همکاران (۲۰۲۴)، تسما و همکاران (۲۰۱۸)، هگزای و همکاران (۲۰۱۵)، کریمی (۱۴۰۲)، سجادی و همکاران (۱۴۰۱)، ایمنی و مشعشعی (۱۴۰۱)، قائمی و همکاران (۱۳۹۹)، سلیمانی راد (۱۳۹۶)، مطابقت دارد.

با توجه به نتایج پژوهش به سرمایه گذاران پیشنهاد می شود تا در تصمیمات خود به مولفه مالکیت نهادی توجه نمایند چرا که وجود مالکان نهادی در شرکت با عنایت به نقش نظارتی و کنترلی آنها نشانه ای از حاکمیت شرکتی قوی داخلی و خارجی تلقی گردیده و حاکی از محیط اطلاعاتی دارای تقارن اطلاعاتی، شفاف و بهبود یافته است که در نتیجه باعث کاهش رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت از جمله مدیریت سود ناشی از طریق تغییر طبقه بندی اقلام صورت های مالی می شود. همچنین به سرمایه گذاران و علاقمندان به سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار توصیه می شود در مطالعات خود به ترکیب سهامداران شرکت ها از جمله مالکیت متمرکز و عمده توجه نمایند و اگر به دنبال کسب سود از طریق کاهش تضاد منافع و هزینه نمایندگی و همسویی با مالکان عمده هستند می توانند شرکت هایی را که دارای مالکیت متمرکز هستند را در اولویت قرار دهند چرا که در اینگونه شرکت ها، تضاد منافع کمتر است و هزینه های نمایندگی کاهش می یابد و میزان مدیریت سود ناشی از طریق تغییر طبقه بندی اقلام صورت های مالی کمتری نیز دارند. علاوه بر این پیشنهاد

می شود که سهامداران شرکت ها؛ به ویژه سهامدارانی که درصد بالایی از سهام یک شرکت را دارا هستند ، در انتخاب اعضای مستقل کمیته حسابرسی نهایت دقت را به عمل آورده ، آنها را با رویکرد هدفمند انتخاب نمایند ؛ به این صورت که استقلال لازم را در حوزه فعالیت شرکت داشته باشند تا با نظارت خود مانع از دستکاری و مدیریت سود شوند. همچنین به سرمایه گذاران و سهامداران پیشنهاد می شود تا در شرکت هایی سرمایه گذاری کنند که دارای کمیته حسابرسی با تعداد اعضای زیاد به ویژه دارای تخصص مالی باشند تا بدین طریق با خیال آسوده تری اقدام به تصمیم گیری نمایند.

منابع

- ✓ اُستا، سهراب، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود، پژوهش های حسابداری مالی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۹۳-۱۰۶.
- ✓ ابراهیمی نژاد، سحر، (۱۴۰۴)، بررسی تاثیر نوع دیدگاه مالکیت نهادی بر تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه ارقام صورت سود و زیان در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان، گروه علوم انسانی.
- ✓ ایمنی، محسن، مشعشعی، سیدمحمد، (۱۴۰۱)، بررسی تأثیر محدودیت های حاکم بر استراتژی های مدیریت سود بر به کارگیری استراتژی تغییر طبقه بندی سود، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۹، شماره ۷۵، صص ۲۰۳-۲۳۶.
- ✓ بندریان، امیرعلی، سامانیان، سعید، سامانیان، علیرضا، (۱۴۰۳)، نقش تعاملی هزینه های سیاسی بر رابطه بین اجرای استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی و شکاف مالیاتی در بورس اوراق بهادار تهران، چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۷، شماره ۹۳، صص ۵۸-۸۲.
- ✓ بندریان، امیرعلی، امامی ده چشمه، سعید، کارگرپور، خاطره، (۱۴۰۱)، نقش تعاملی تخصص حسابرس بر رابطه بین معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته و گزارشگری مالی متقلبانه: آزمون تئوری نمایندگی، مطالعات اخلاق و رفتار در حسابداری و حسابرسی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۳۷-۱۶۳.
- ✓ برزنونی، فائزه، (۱۴۰۲)، بررسی تاثیر حسابرسان بزرگ و استقلال هیئت مدیره بر کاهش تغییر طبقه بندی سود، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی بصیر - آبیک، گروه علوم انسانی.
- ✓ ثقفی، علی، جمالیان پور، مظفر، (۱۳۹۷)، "جایگاه پدیده تغییر طبقه بندی در مدیریت سود"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۵، شماره ۵۷، صص ۱-۲۳.
- ✓ جعفری، علی، ملکی، عاطفه، بیداروند، رضا، (۱۴۰۰)، رابطه قابلیت مقایسه صورت های مالی و ساختار سررسید بدهی، چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۴، شماره ۴۶، صص ۱-۱۵.
- ✓ حاجیانی، عباس، (۱۳۹۸)، بررسی رابطه مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی ارقام صورت سود و زیان و دقت پیش بینی سود، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه تهران، پردیس فارابی - دانشکده مدیریت و حسابداری.
- ✓ حمیدیان، محسن، بزرگمهریان، شاهرخ، جنت مکان، حسین، (۱۳۹۷)، نقش تخصص حسابرس در صنعت در پیشگیری از اعمال تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه ارقام صورت سود و زیان، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۰، شماره ۳۸، صص ۹۳-۱۱۳.
- ✓ روحی مقدم، محبوبه، فلاح، رضا، (۱۳۹۷)، بررسی رابطه کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی آبان هراز، دانشکده علوم انسانی.

- ✓ سجادی، زانیار، پاریاد، احمد، الانی، افشین، (۱۴۰۱)، تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر رابطه بین ساختار مالکیت و تغییر طبقه‌بندی سود، مجله دانش حسابداری، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۱۶۷-۱۸۴.
- ✓ سلمان، عبدعون، (۱۴۰۲)، بررسی نقش پایداری مالکیت نهادی و تنوع جنسیتی هیات مدیره بر دستکاری فعالیت های واقعی سود با تأکید بر نقش تحریم‌های اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز. گروه حسابداری.
- ✓ عبدالهی، مهدی، (۱۴۰۱)، بررسی رابطه بین ویژگی‌های موسسه حسابرسی و تغییر طبقه بندی سود با نقش تعدیلگری عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیر و حسابرس، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه کردستان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- ✓ فخاری، حسین، محمدی، جواد، حسن‌نجاج کردی، محسن، (۱۳۹۴)، بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۲۳-۱۴۶.
- ✓ قائمی، فاطمه، مرادی، زهرا، علوی، غلامحسین، (۱۳۹۹)، تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کنترل‌های داخلی و مدیریت سود، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۲۵۹-۲۸۰.
- ✓ ملک آرا، لیلا، (۱۴۰۲)، بررسی تأثیر تغییر در طبقه بندی سود بر کارایی سرمایه گذاری با تأکید بر اثر مالکیت نهادی، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی آفاق، دانشکده اقتصاد و علوم انسانی.
- ✓ میرزایی، فاطمه، (۱۳۹۹)، نقش مالکیت مدیریتی و نهادی بر رابطه بین عدم قطعیت سیاست اقتصادی و همزمانی قیمت سهام، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه قم، دانشکده مدیریت و اقتصاد.
- ✓ Ahmed, M. Abdalla, Colin. D. B. Clubb, (2024), Classification shifting using income-decreasing special items: measurement and valuation issues Review of Accounting Studies, <https://doi.org/10.1007/s11142-023-09770-z>
- ✓ Al-Musali, M.A., Qeshta, M.H., Al-Attafi, M.A., Al-Ebel, A.M. (2019). Ownership structure and audit committee effectiveness: evidence from top GCC capitalized firms. International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, 12(3), 407-425.
- ✓ Bansal, M., & Bashir, H.A. (2022). Business strategy and classification shifting: Indian evidence. Journal of Accounting in Emerging Economies. <https://doi.org/10.1108/JAEE-03-2021-0099>
- ✓ Bushee, B. (1998). The Influence of institutional investors on myopic R&D investment The Accounting Review, 73, 305-333
- ✓ Campa, D., & Camacho-Miñano, M. M. (2015). The impact of SME's pre-bankruptcy financial distress on earnings management tools. International Review of Financial Analysis, 42, 222-234
- ✓ Chau, G., Leung, P. (2006). The impact of board composition and family ownership on audit committee formation: evidence from Hong Kong. Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, 15(1), 1-15
- ✓ Chen, F. H., & Howard, H. (2016). An alternative model for the analysis of detecting electronic industries earnings management using stepwise regression, random forest, and decision tree. Soft Computing, 20(5), 1945-1960
- ✓ Choi, H., Huiqi, G., SangHyun, S. (2024), Managerial Overconfidence and classification shifting, Journal of Accounting and Public Policy, V43, pp 1-20. <https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2023.107176>
- ✓ Chung, H., Choi, S., & Jung, W. O. (2021). Controlling Shareholders' Tax Incentives and Classification Shifting. Contemporary Accounting Research, 38(2), 1037-1067

- ✓ Cohen, D; Zarowin, P. (2016). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (1),2-19.
- ✓ Dye, W, (2002), “Empirical Evidence on the Effect of Audit Structure on Audit Pricing”, *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 13(2), PP. 25- 4
- ✓ Eilifsen, A., Knivsfå, K.H. Li, A.Y. (2020). Core earnings management: How do audit firms interact with classification shifting and accruals management? *International Journal of Auditing*, 25(1), 142-165
- ✓ Fun ,Yan. Barua,Abhijit. M, Cready,William . B,Thomas,wayne, (2010), “Managing Earnings Using Classification Shifting : Evidence from Quarterly Special Items”, *Accounting Review* , Vol. 85, No. 4, PP. 1303-1323
- ✓ Gillan, S.G. and L.T. Starks (2003). "A Survey of Shareholder Activism:Motivation and Empirical Evidence",*Contemp Finance Dig*, 10-38.
- ✓ Godfrey, R.H. and Jones R.L, (1999), “Automatic Data-Processing Systems:Principles and Procedures”, Belmont, 2nd edition, San Francisco: Wadsworth Publishing Company
- ✓ Haw, I.M., Ho, S.S. M., Li, A.Y. (2011), Corporate governance and earnings management by classification shifting, *Contemporary Accounting Research*, 28 (2), 517-53
- ✓ Healy, P., Wahlen, M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons*, 13, 365-383.
- ✓ Hegazy ,K & Brian ,V . (2015).Market Valuation of Tax Avoidance and Corporate Social Responsibility: Does the Market Discount Corporate Robin Hoods?
- ✓ Jensen, M.C., Meckling, W.H. (1976). The Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Cost, and Ownership Structure. *Journal of Financial and Economics*, 3: 305-360
- ✓ Jones, J. (۱۹۹۱). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research* ۲۹, ۱۹۳-۲۲۸
- ✓ Kaldonki ,Michał, Tomasz Jewartowski and Jacek Mizerka,(2019), Capital market pressure, real earnings management, and institutional ownership stability - Evidence from Poland ,*International Review of Financial Analysis*,<https://doi.org/10.1016/j.irfa..01.009>
- ✓ Kim J.B, Sohn B.C.(2008). Real versus Accrual-based Earnings Management and Implied Cost of Equity Capital,Analysis.Availabl from:<http://ssrn.com/abstract=۱۲۹۷۹۳۸>
- ✓ Lin, F. L. (2011). Is earnings management opportunistic or beneficial in Taiwan? Application of panel smooth transition regression model, *International Journal of Economics and Finance*, 3(1), 133-141.
- ✓ McNichols, M. F., and G. P. Wilson.(۱۹۸۸), Evidence of Earnings Management from the Provision for Bad DNIs, *Journal of Accounting Research*, ۲۶: ۱-۳۱
- ✓ McVay, S. (2006), Earnings management using classification shifting: An examination of core earnings and special items”, *The Accounting Review*, 81(3), 501-31
- ✓ Medioli, A., Azzali, S., Mazza, T. (2022), Ownership-motivated income shifting: evidence from European Multinational Groups, *Management Decision*, 58(12), 2621-2637
- ✓ Nagar, N., Kaustav, S. (2016). Classification shifting: Impact of firm life cycle. *Research and Publications*. 15(2), 180-197.
- ✓ Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42, 335-370.
- ✓ Tarmidi, D., ETTY, M. (2019). The influence of earnings management and tax planning on firm value with audit quality as moderating variable. *Research Journal of Finance and Accounting*. 10(4), 49-58
- ✓ Tessema , Abiot ,Moo Sung Kim,Jagadish Dandu.(2018). The impact of ownership structure on earnings quality: the case of South Korea. *International Journal of Disclosure and Governance* , ISSN: 1741-3591 (Print) 1746-6539 (Online)

- ✓ Zaman, M, Mohammed, H, and Roszaini, H. (2011). Corporate Governance Quality, Audit Fees and Non-Audit Services Fees. *Journal of Business Finance & Accounting*, 38 (1) & (2), pp. 165–197
- ✓ Zhang, A. Y. (2012). Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based earnings management. *The Accounting Review*, 87, 675–703.